



## معرفی نسخه خطی هدایت نامه حزین شیروانی و بررسی ویژگی‌های سبکی آن آیت شوکتی<sup>۱</sup>

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی. ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۵

### چکیده

عبدالرحیم شیروانی، از گویندگان دوره قاجار بود. نسخه دیوان شامل ۳ اثر از وی (دیوان، صفاءالقلوب و هدایت نامه) که در قرن ۱۲، به خط پسرش، میرزا اسدالله، در زمان حیات وی، نوشته شده و به‌عنوان نسخه منحصر به فرد در کتابخانه ملی تبریز نگهداری می‌شود. مقاله حاضر باهدف معرفی و بررسی ویژگی‌های سبک‌شناسی هدایت نامه، به روش اسنادی- توصیفی و آماری و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای بررسی و تحلیل شده، درصدد پاسخگویی به این پرسش است که بارزترین ویژگی‌های سبکی هدایت نامه چیست؟ نگارنده درصدد معرفی آن و بررسی ویژگی‌های رسم الخطی و سبکی آن در ۳ سطح زبانی، فکری و ادبی است. اثر حاضر، ۱ اثر داستانی است که مهم‌ترین داستان آن، داستان حضرت ابراهیم و ذبح فرزندش، اسماعیل است که تحت عنوان ذبیح‌نامه، سروده شده است. یافته‌های پژوهش مبنی بر آن است که هدایت نامه ۱ نسخه مسوده بوده که در ۲ وزن از زیرمجموعه بحر هزج سروده شده است. تنها ۱۰ درصد ابیات آن مردّف است. برخی از عیوب قافیه در آن قابل مشاهده است. به جهت شمول مطالب دینی و عرفانی، می‌تواند برای پژوهش‌های ادبی، دینی، تاریخی و عرفانی مفید واقع شود.

### کلیدواژه‌ها:

نسخه خطی، سبک‌شناسی، عبدالرحیم شیروانی، دیوان، هدایت نامه

## ۱- مقدمه

## ۱-۱- بیان مسئله

یکی از انواع پژوهش‌های ادبی، تصحیح متون خطی است. نسخه خطی و دست‌نوشته‌ها، آثار گران‌قدری هستند که حاوی بخشی از علوم و فرهنگ هر سرزمین و نمایانگر درخشش نویسندگان و شاعران این مرزوبوم در دوره‌های تاریخی گذشته‌اند که پژوهش، واکاوی و بهره‌گیری از اطلاعات مندرج در آن‌ها، امری بایسته و ضروری است. تصحیح و معرفی نسخه‌های خطی که قدمتی کهن دارند، موجب زنده نگه‌داشتن آثار و وسعت بخشی به گنجینه ادبی شده، دست‌یابی به اطلاعات جدید را ممکن می‌سازد؛ لذا تلاش جدی دریافتن و تصحیح نسخه‌های خطی و بررسی ویژگی‌های آن و معرفی صاحب اثر، اهمیت ویژه‌ای دارد. به همین منظور، نگارنده با چنین رویکردی به معرفی نسخه خطی هدایت‌نامه و بررسی ویژگی‌های سبکی آن می‌پردازد. معرفی نسخه‌های خطی و بیان قابلیت‌های هر نسخه، راه را برای پژوهش‌های بعدی هموار کرده، افق‌های گسترده‌ای را فراروی محققان باز می‌کند. از آنجاکه سبک ادبی پرداختن به شیوه نگارش هر مؤلف است، نگارنده به ویژگی‌های سبکی و شیوه نگارش خاص عبدالرحیم شیروانی در هدایت‌نامه می‌پردازد.

## ۱-۲- هدف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش معرفی و بررسی و تحلیل ویژگی‌های سبکی هدایت‌نامه، در ۳ سطح زبانی، ادبی و فکری است.

## ۱-۳- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام شده در خصوص معرفی عبدالرحیم شیروانی و آثار وی عبارت‌اند از: مظهرالترکی که در سال ۱۳۹۱ توسط فرهاد رحیمی تصحیح شده است. (ر.ک: حسینی اشکوری، ۱۳۷۷) همچنین مقاله‌ای با عنوان «معرفی نسخه خطی دیوان عبدالرحیم شیروانی و بررسی ویژگی‌های سبکی آن» از آیت شوکتی در ۲ فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی دانشگاه آزاد دهاقان، دوره ۵، شماره ۱۳، شهریور ۱۳۹۹ و مقاله‌ای با عنوان «معرفی نسخه خطی صفاءالقلوب و بررسی ویژگی‌های سبکی آن» از همین نویسنده در فصلنامه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد سنندج، دوره ۱۳، ش ۴۸، مهر ۱۴۰۰ چاپ شده است. از همین نویسنده، مقاله دیگری با عنوان «آموزه‌های

تعلیمی و شگردهای آن در صفاءالقلوب و نان و حلوا با رویکرد غایت‌گرایی» در مجله بهار ادب، سال ۱۵، ش ۷۶، شهریور ۱۴۰۱ نمایه شده است.

#### ۴-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش و بیان نوآوری‌ها

پژوهش حاضر، تلاشی دیگر در جهت معرفی عبدالرحیم شیروانی است و می‌تواند در جهت شناسایی و بیان ویژگی‌های سبکی وی مؤثر باشد.

#### ۵-۱- شیوه پژوهش

شیوه این پژوهش، اسنادی- توصیفی و آماری و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است.

#### ۱- بحث و بررسی

##### ۱-۲- معرفی مؤلف و آثار وی

توجه به شرح حال مؤلف یا شاعر نسخه خطی دارای اهمیت زیادی است. این شرح حال ممکن است توسط دیگران یا خود شاعر نوشته شود. از زندگی وی اطلاع چندانی در دست نیست. تنها دست‌مایه ما از نوشته‌های دیگران این است که وی پدر بزرگ وصال شیرازی است. در معرفی وصال آمده: مادرش دختر میرزا عبدالرحیم شاعر شیروانی بود. وصال پس از درگذشت پدر تحت سرپرستی پدر بزرگ مادی خویش، میرزا عبدالرحیم قرار گرفت و پس از او دایی وی که با کتابت قرآن روزگار خویش را می‌گذراند، سرپرستی او را عهده‌دار شد. (ر.ک: داور، ۱۳۷۱: ۶۸۹)

بخشی از اطلاعات ما از عبدالرحیم مربوط به شرح حالی است که خود وی در مقدمه مظهرالترکی آورده است. بر این اساس، وی در شهر اردبیل متولد شده و بعد از مدتی زندگی در شماخی شروان به شیراز رفته است:

«گم‌گشته دیار نادانی و صحرانورد خیالات پریشانی عبدالرحیم شیروانی... که اصل مسقط‌الراس این غریب ذلیل از بلده جلیل ارده‌بیل ولیکن در مبدأ کهرتیت و جوانی و مدتی در بلده طیبه شماخی شیروان نشو و نما یافته و روزگار ۱ شباب را در آن ولایت با یاران و دوستان گذرانده بود» (شیروانی، ۱۳۹۱: ۹)

«بعد از چندین سال این خاکسار حقیر به متابعت تقدیر خالق قدیر، به دست گردش زمانه گرفتار و اسیر و مدت‌های متمادی، متوالی‌الایام، در بوادی و شهرستان، غربت و کربت، در ولایات ترک و تاجیک به محنت و راحت، مدارا و بعد از انقضای مدت بسیار، به رهنمونی قضای

کردگار، حسب فرمان پادشاه جمجاه والتبار عادل شاه نامدار از صوب خراسان، مأمور به این سامان و وارد دارالعلم شیراز و بعد از چند گاه نظر به استیلاء فقر و درویشی و استیصال اوضاع و پریشانی روزگار، لابد و ناچار، در آن دیار رحل اقامت افکنده توطن اختیار افتاد» (همان: ۱۰)

با تکیه بر آثار خطی وی نیز، بضاعت مزجاتی دست داده که در این مقال به آن می‌پردازد:

بر اساس آنچه خود در ابتدای نسخه دیوان متذکر شده، نامش عبدالرحیم، تخلصش، حزین و نام یکی از پسرانش، میرزا اسدالله است که کاتب دیوان اوست:

«دیوان میرزا عبدالرحیم شیروانی متخلص به حزین به خط پسرش میرزا اسدالله در سال ۱۲۰۱ نوشته» (شیروانی، ۴۷۴: ۱)

در هیچ منبعی به تاریخ تولد وی اشاره نشده اما با اشاره به ۵۰ سالگی اش در صفاءالقلوب و با توجه به تاریخ تألیف صفاءالقلوب در سال ۱۲۰۱، می‌توان تاریخ ولادت وی را، ۱۱۵۱ دانست.

عمر شد در پنجه پنجه کنون از ندامت دل لبالب غرق خون (همان: ۲۱۳)

با توجه به ابیاتی که در مدح امیر مومنان و امام رضا سروده، شیعی بودن وی، اثبات می‌شود:

معبود	بحقّ	جلّ	شانه	چون	کرد	بنای	کارخانه
از روز	ازل	ز روی	تعظیم	خواننده	است	تو را	بعزّ و تکریم
در نام	و نسب	علیّ	عالی	بر وفق	حسب	ولیّ	والی (همان: ۲۴۰)
ای شیر	خدا	ولیّ	سبحان	سالار	و امام	و شاه	مردان (همان: ۲۴۳)
از شاه	غریب	ذوکرامت		سلطان	اریکه	امامت	
آن سرور	دین	رضا	ملقب	در اسم	بدی	علی	مخاطب (همان: ۲۶۲)

آثار وی عبارت‌اند از:

الف- مظهرالترکی: این اثر را در قرن ۱۳ در شیراز نوشته که شامل ۱ مقدمه، ۴ رکن و ۱ خاتمه است. وی در اثر فوق از نظرات ۶ دانشمند (ملاً جاجیم خان شاملو، ملاً قراخان اوغلی قورت، ملاً داش دمور قراکوزلو، ملاً تنگر یوردی شاهسون، ملاً یردانقولی سیل سُپر و ملا یولقولی) بهره برده است. عبدالرحیم در این اثر، زبان ترکی را به ۳ گروه، زبان ترکان چین و ماچین، ترکان عثمانی و ترکان ایرانی تقسیم کرده است. بخشی از این کتاب به اشعار ملاً محمد فضولی، امیر علی شیر نوایی و اشعاری از خود عبدالرحیم اختصاص دارد. (ر.ک: شیروانی، ۱۳۹۱) این اثر در سال ۱۳۹۱ توسط فرهاد رحیمی، بر

اساس تک‌نسخه هشتاد برگی که شامل هر صفحه دوازده سطری به ابعاد چهارده، بیست و یک و به خط نستعلیق که به شماره ۶۸۶ در مرکز احیاء میراث اسلامی قم نگهداری می‌شود، تصحیح شده است. (ر.ک: حسینی اشکوری، ۱۳۷۷)

ب- دیوان: نسخه‌ای که به نام دیوان حزین شیروانی در کتابخانه ملی تبریز نگهداری می‌شود، بر اساس فهرست کتابخانه ملی تبریز، به خط نستعلیق، توسط پسر وی (میرزا اسدالله)<sup>۲</sup> به سال ۱۲۰۱-۱۲۰۵ در ۱۳۶ برگ در کاغذ فرنگی در پانزده سطر در هر صفحه نوشته شده است. یونسی به اشتباه تعداد سطرهای آن را سی سطر قید کرده است. (ر.ک: یونسی، ۱۳۴۸:۵۴۵). جلد آن چرمی دولایه مشکی به ابعاد ۲۰/۵ \* ۱۳ (قطع رقعی) هست و هیچ نوع آرایشی ندارد. رئوس مطالب با مرکب سرخ و گاهی با شنگرف نوشته شده است. یونسی فصول و ابوابی برای این نسخه معین کرده که شامل غزلیات شاعر به ترتیب حروف قوافی و رباعیات و مثنوی‌های صفاءالقلوب، هدایت نامه و ذبیح‌نامه می‌شود (ر.ک: همان: ۵۴۵-۵۴۶) درحالی‌که به نظر نگارنده، نسخه موجود مشتمل بر ۳ اثر از عبدالرحیم است:

- دیوان مشتمل بر غزلیات و رباعیات از ص ۱-۱۶۱

- مثنوی صفاءالقلوب

- مثنوی هدایت نامه که مثنوی ذبیح‌نامه هم در ضمن آن وجود دارد.

این تقسیم‌بندی از آنجا ناشی می‌شود که هرکدام از این بخش‌ها شروع مشخص دارند و به واژه کتاب و تاریخ کتابت آن‌ها اشاره شده است.

بررسی آثار به‌جامانده از وی، گویای مهارت وی در دستور زبان ترکی و ادبیات فارسی است. همچنین اطلاعات ادبی، زبان‌شناسی، تاریخی و عرفانی او را نباید از نظر دور داشت.

۲ میرزا اسدالله از خوش‌نویسان و نستعلیق‌نویسان زبردست سده ۱۳ هجری در دوره فتحعلی شاه، محمد شاه و ناصرالدین شاه قاجار بوده است. از آثار نفیس کتابت شده توسط ایشان عبارتند از:

- نوش‌آفرین گوهرتاج در ۱۱ ذیحجه سال ۱۱۹۹ ه.ق مطابق با ۱۱۶۳ ه.ش که مجموعه داستان عاشقانه به نثر است و در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. نسخه‌ای است به خط نستعلیق که آغاز آن افتادگی دارد و دارای ۹ تصویر زیبا و رنگ‌آمیزی شده است. صفحات مجدول به قلم لاجوردی، سیاه، آب طلا و شنگرف است (حاری، ۱/۱۳۷۸: ۱۵۶۳)

- کلیات سعدی شیرازی به خط نستعلیق با جلد تیماج سبز عطف تیماج قهوه‌ای و عناوین شنگرف، صفحه‌ها مجدول به زر و مشکی و اشعار در متن و حاشیه نوشته شده است و دارای ۷ سرلوح رنگین بوده و در چند جا مهر مربع «علی رضا بن محمد جعفر» و «هو المغنی» و مهر بیضوی «عبده الراجی علی الرضا» مشاهده می‌شود.

دو-۲- معرفی هدایت نامه:

مثنوی هدایت نامه از ص ۲۱۷ نسخه منحصر به فرد دیوان به شماره ۴۷۶ کتابخانه مرکزی تبریز، شروع شده و در ص ۲۷۱ پایان می‌یابد. پس تعداد کل صفحات این اثر، ۵۵ صفحه (۲۱۷-۲۷۱) و به تعبیری ۲۸ برگ است. تمام صفحات شماره‌گذاری شده و این شماره‌ها در بالای برگه‌ها نوشته شده است. در حاشیه صفحات فرد، شماره برگه نیز قید شده است. از آنجاکه این اثر از صفحه ۲۱۷ شروع شده، جهت اعلام استقلال اثر، در زیر شماره برگ‌ها، شماره برگ خود آن اثر را نیز جداگانه آورده است؛ بنابراین صفحه اول هدایت نامه با (۱۰۹) و صفحه پایانی آن با (۱۳۶) مشخص شده است... ۲۸۱ صفحات فرد دارای رکابه‌اند. کل اشعار موجود در آن، ۱۵۷۸ بیت است. در اولین صفحه بالای اشعار، بسم الله الرحمن الرحیم، قید شده و صفحه آغازین هدایت نامه مانند دیوان و صفاء القلوب، با فاصله بیشتر از لبه بالای کاغذ نسبت به صفحات دیگر شروع شده است. صفحات مجدول نیست. تاریخ کتابت هدایت نامه، «۱۹ شهر ربیع الاول من شهر سنه ۱۲۰۴» (شیروانی، ۴۷۴: ۲۷۱) هست. بعد از اتمام هدایت نامه و درج تاریخ در زیر آن، ۱ مثنوی ۱۵ بیتی دیگر در حاشیه همین صفحه پایانی نوشته شده که تاریخ کتابت آن نیز قید شده است:

«۱۲ شهر محرم قلمی شد» (همان: ۲۷۱)

۱۲۰۵

هدایت نامه از محتوای عرفانی برخوردار است و بی‌شک نام اثر با موضوع مورد بحث، سنخیت دارد. ذبیح‌نامه‌ای که در ص ۱۶۲ از آن سخن رفته، از ص ۲۴۶ شروع می‌شود که در واقع داستان ذبیح اسماعیل بوده و مشتمل بر ۴۷۶ بیت است. مناجات با خدا نیز صفحاتی از نسخه را معطر ساخته است. یقیناً با عنایت به مباحث فوق، اهمیت اثر از جهت تاریخی، دینی، عرفانی و ادبی قابل تأمل است. در ص ۲۶۵، ضمن شعری با عنوان «گوید سخن از وفات فرزند»، از فوت پسر ناکامش سخن می‌گوید. در این شعر به هفده سالگی پسرش اشاره کرده:

هفده سنه چون ز عمر بگذشت فهمید و بخواند و خوب بنوشت

همچنین به نام وی:

شد نام نکوش عبد جبار (همان: ۲۶۶)

و متذکر شده که وی از پسر دیگر، عزیزتر بود:

از جان و دل آن عزیزتر بود (همان: ۲۶۷)

هرچند مرا دگر پسر بود

برای وی از خدا طلب مغفرت کرده:

هر سهو و خطا که دیده باشی  
هر حرف بدش شنیده باشی  
آمزشش ای کریم و رحمن  
ناکام مرا که بوده نادان  
از مغفرتت نظر نمائیش  
وز قهر و غضب دهی رهائیش (همان):

(۲۷۰)

عبدالرحیم شیروانی قدرت قلم خود را تحسین کرده و معتقد بود که این کار خودنمایی محسوب نمی‌شود:

تحسین عمل نه خودنمایی است (همان: ۲۷۰)

هدایت نامه به جهت تک‌نسخه بودن و نوشته شدن در زمان حیات مؤلف، دارای اهمیت است.

#### ۱-۲-۲- کتاب‌شناسی هدایت نامه

در بعضی قسمت‌های این نسخه منحصر به فرد موجود در کتابخانه مرکزی تبریز، از جمله در ص دویست و هجده به علت پخش جوهر، ناخوانایی وجود دارد. نسخه حاضر دارای حاشیه در سه کناره متن بوده (به استثنای ص ۲۳۵) و این حاشیه‌ها از نوع هامش هست (ر.ک: اصغری هاشمی، ۱۳۸۸: ۳۶۴) و مطالب موجود در حاشیه بخشی از متن کتاب و در واقع ادامه ابیات موجود در متن صفحه است. در حاشیه هر صفحه سی سطر (ردیف) نوشته شده است. در صفحات ۲۳۶ و ۲۳۷، پارگی قسمت‌هایی از حاشیه، موجب از بین رفتن و مخدوش شدن برخی از ابیات موجود در حاشیه شده است.

از جمله اشکالاتی که در نسخه برداری انفرادی در نسخه‌های خطی امکان وقوع یافته، از قلم افتادن و افزودن بخشی از متن اصلی است که از سهل‌انگاری کاتب ناشی می‌شود. (ستوده، ۴۳۵: ۱۳۸۴) در هدایت نامه نیز همچون بخش‌های دیگر چنین سهل‌انگاری به چشم می‌خورد که موجب بروز ایرادات وزنی و ساختاری ابیات می‌شود. از جمله:

یارب نظری به وی  
حاجات آن دو کون آن برآری  
گماری  
(شیروانی، ۴۷۴: ۲۷۱)

«آن» بعد از «حاجات»، اضافه است.

بیت «آمد بزبان چو شمع گریان گفتا بپذیر سوز پنهان» در ص ۲۵۸، در پایان یک عنوان و ابتدای عنوان دیگر، تکرار شده است.

در مواردی قلم خوردگی هایی به چشم می خورد از جمله در ص ۲۳۸، مصرع «پیوسته چو زنده اند هالک» را قلم زده و به جای آن، «در عین حیات در مهالک»، نوشته شده است. چنین موردی در ص ۲۴۲ نیز وجود دارد.

در ص ۲۴۹ نیز، مصرع های دو بیت را جابجا نوشته است:

گر تیر رسد ز حق بجانم	در پرده برآستی نوا داشت
در مفر روان همش نشانم	قانون مخالفت نیفراشت

(همان: ۲۴۹)

همه این اشکالات، نشانگر این است که نسخه موردنظر، نسخه مسوده بوده و اکثراً از سهل انگاری کاتب ناشی شده است و به جهت تک نسخه بودن، نسخه اساس نیز به حساب می آید.

#### ۲-۲-۲- نسخه شناسی هدایت نامه

نسخه حاضر در ابعاد ۱۳\*۲۰/۵ (قطع رقعی) در کاغذ فرنگی، به خط نستعلیق نوشته شده است. از نظر صفحات کامل بوده و هیچ افتادگی در آن ها وجود ندارد. صفحات با نقش و نگار تذهیب نشده اند اما در نوشتن مطالب در حواشی صفحات، نوعی آرایش به کار رفته است و نمایی تذهیب گونه به صفحات بخشیده است. آخر نسخه، در حق کاتبش دعا کرده:

این قطعه به کاتبش دعائی است (همان: ۲۷۰)

تصدیع کشیده چون که	بر ما همه شد دعاش واجب (همان):
کاتب	(۲۷۰)

با توجه به آنچه در ابتدای دیوان قید شده، کاتب، پسرش، میرزا اسدالله بوده است:

«دیوان میرزا عبدالرحیم شیروانی متخلص به حزین به خط پسرش میرزا اسدالله در سال ۱۲۰۱ نوشته» (همان: ۱)

با توجه به قید نام کاتب و نسخه منحصر به فرد این اثر، می توان گفت که طریقه نوشتن این اثر، نسخه برداری انفرادی بوده است. هر قطعه شعر به نوعی مشخص و از قطعه بعدی جدا شده است. این



کار، گاهی با عناوینی مثل وله، ایضاً، قاله که با شنگرف نوشته شده‌اند، مشخص شده و در مواردی نیز عنوان‌های خاصی برای اشعار انتخاب شده است از جمله ص ۲۰۰ و ۲۳۲ و ...

### ۳-۲-۲- ویزگی رسم‌النخط

۱-۳-۲-۲- نوشتن گ به صورت ک:

زبان کو یا کنم نحوی که شاید (همان: ۲۱۷)

بگفتا ای خدا و کرد کارم (همان: ۲۱۸)

دو-۲-۳-۲- سرهم نویسی:

۱-۲-۳-۲-۲- چسبیدن حرف اضافه «به»، به کلمه بعدی:

بعزّ و حرمت و جاه رسولت (همان: ۲۱۷)

باحمد باد و حیدر آل اخیار (همان: ۲۱۷)

به رنگ زرد تا بد نُوری از آن (همان: ۲۱۹)

۲-۲-۳-۲-۲- چسبیدنمی به عنوان جزء پیشین افعال:

در مواردی چسبیده و گاهی جدا نوشته است:

که می ترسم ترا رنجور سازد (همان: ۲۲۰)

که پندت می کنم چون حلقه در گوش (همان: ۲۲۹)

۳-۲-۳-۲-۲- چسبیدن «ها» علامت جمع:

طبیعت‌ها ازین گفتن برآشفست (همان: ۲۲۳)

۴-۲-۳-۲-۲- چسبیدن نشانه مفعولی «را»:

در برخی مواقع چسبیده و در مواردی جدا نوشته است:

من ایشان را ز جان چون دوستدارم (همان: ۲۲۵)

پسر پرسید از مادر که چندش فروشم تا تو را آید پسندش (همان: ۲۲۰)

۵-۲-۳-۲-۲- چسبیدن «بی»:

بی را گاهی چسبیده و گاهی جدا نوشته است. نکته دیگر اینکه در صورت جدانویسی به جای «بی»،

«پی» نوشته است:

ز بیقوتی پسر گردید بیتاب (همان: ۲۲۹)

بیتاب و توانم کرد پی یاری و غم‌داری (همان: ۲۶۴)

بی حکم رضا کلی نچینم (همان: ۲۵۶)

اگر پی قدر و قیمت خوار و زار است (همان: ۲۱۷)

خداوندا کریم و پی نیازی (همان: ۲۲۵)

۲-۲-۳-۲-۶- سرهم نویسی کلمات مرگب:

در مدرس عقل یکورق خواند (همان: ۲۶۸)

۲-۲-۳-۲-۷- چسبیدن حرف ندا به منادا

بگفت ای قوم من جز حق نگویم (همان: ۲۲۳)

۲-۲-۳-۲-۸- چسبیدن «این» و «آن» به کلمه بعدی:

بداد آن قوم را صد شادمانی (همان: ۲۲۴)

۲-۲-۳-۳- جدانویسی:

۲-۲-۳-۳-۱- جدا نوشتن علامت نفی فعل:

نه بخشد لذتی این قند و پسته (همان: ۲۷۱)

۲-۲-۳-۳-۲- جدانویسی کلمات مرگبی که چسبیده بودنشان معمول است:

از امت او گناه‌کاران (همان: ۲۶۲)

۲-۲-۳-۴- گذاشتن تشدید:

بناله کفت کای خلاق عالم (همان: ۲۱۹)

البته همیشه خود را مقید به گذاشتن تشدید نکرده بلکه در مواردی از آن صرف نظر کرده است:

که بس لذات هست در خوردن آن (همان: ۲۲۸)

۲-۲-۳-۵- نوشتن «ت» به صورت تایی گرد:

بسازش بیع و قیمة پیش من آر (همان: ۲۲۰)

۲-۲-۳-۶- نوشتن همزه به جای «ای»:

نبودش چاره غیر از شکیبی (همان: ۲۲۸)

طلب کن چاره از فضل یزدان (همان: ۲۲۸)

محتاج نه به طاعت کس (همان: ۲۶۴)

۲-۲-۳-۷- اعراب‌گذاری کلمات:

ز پیری یافت در خُود ضَعْف بسیار (همان: ۲۱۸)

پس آنکه مرد خُوب زهد پیشه (همان: ۲۱۹)

۸-۳-۲-۲- نقطه‌های اضافی:

فی الحال رسد بر استجابت (همان: ۲۵۷) (در اصل نسخه، زیر «س» واژه «رسد» سه نقطه گذاشته)

فریاد رسنده غریبان (همان: ۲۶۲) (در اصل نسخه، زیر «س»، سه نقطه گذاشته)

۹-۳-۲-۲- نوشتن الف بدون مد در ابتدای کلمه:

رساند ان امانت بر تو رحمان (همان: ۲۱۹)

ز یزدان ان امانت ادعا کن (همان: ۲۱۹)

چو مادر دیدان خوشنود گردید (همان: ۲۲۰)

البته این موارد بسیار نادر بوده و در اکثر موارد با مد نوشته است:

بصد امید آمد سوی پیشه (همان: ۲۱۹)

دو-۲-۳-۱۰- نوشتن «ه» غیر ملفوظ قبل از نشانه‌های جمع، نسبت، مصدر ساز و به‌جای کسرة اضافه:

با آن درمانده‌گی بیچاره دیدش (همان: ۲۳۵)

زالوده‌گی هزار عصیان (همان: ۲۶۴)

تا هست نشان زنده‌گانیم (همان: ۲۶۴)

سرای پیره زن کشتند حاضر (همان: ۲۲۴)

به‌جای «ئی»، ی را دو بار نوشته:

گوئی ز منش سلام بسیار (همان: ۲۵۹)

جز لطف تو ملجائی ندارم (همان: ۲۴۶)

خوش حالت و خلقت و نکوئی (همان:

مجموعه لطف و خوبروئی

(۲۶۷)

۱۱-۳-۲-۲- تبدیل مصوّت کوتاه به مصوّت بلند:

تو از فضل و کرم مشمار آن خورد (همان: ۲۱۷) به‌جای خرد

۱۲-۳-۲-۲- حذف «های غیر ملفوظ» در چسبیده به علامت جمع «ها»:

بود بس میوها بارنگ الوان (همان: ۲۲۸)

#### ۴-۲-۲- بررسی ویژگی سبکی

توجه به دانش سبک‌شناسی در تصحیح متون کهن اهمیت شایانی دارد و به حل برخی از مشکلات کمک قابل توجهی می‌کند (ر.ک: ثروت، ۱۳۷۹: ۵۶) از آنجاکه «سبک ادبی به ویژگی‌های مختلف فردی اشاره می‌کند که شیوه نگارش هر مؤلف را از دیگران متمایز می‌سازد» (قاسمی، ۱۳۹۷: ۱۶)، جهت بررسی ویژگی‌های سبک‌شناسی، نسخه حاضر در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بررسی می‌شود. قابل ذکر است که خود ویژگی‌های زبانی در سه سطح نحوی، واژه‌ای و آوایی بررسی شده است.

##### ۱-۴-۲-۲- ویژگی‌های زبانی

###### ۱-۱-۴-۲-۲- سطح نحوی:

کاربرد فعلهای قدیم:

بکوساله پسر می‌دادی آواز (همان: ۲۱۹)

باعلی رتبه می‌بودی فروغش (همان: ۲۲۷)

بشاخش بسته می‌بودی سراسر (همان: ۲۲۶)

##### ۲-۱-۴-۲-۲- سطح واژه‌ای

استفاده از کلمات عربی:

افتاده به خاک شکر فی الحال (همان: ۲۶۱)

مطیع حکم او اعلی و ادنا (همان: ۲۲۶)

##### ۳-۱-۴-۲-۲- سطح آوایی

منظور از سطح آوایی بررسی موسیقی بیرونی، کناری و درونی است. موسیقی شعر در رساندن مفهوم و تحریک احساسات، نقش فراوانی دارد.

##### ۱-۳-۱-۴-۲-۲- موسیقی بیرونی

هدف از موسیقی بیرونی، بحث در مورد وزن و بحر عروضی است و بخشی از زیبایی شعر محسوب می‌شود. بحرهای عروضی یادگار روزگاری است که شعر و موسیقی با یکدیگر پیوند داشتند. (ر.ک: شفیع کدکنی، ۱۳۷۰: ۴۶) بررسی موسیقی بیرونی از شاخص‌های سبکی هر شاعری است و بی‌شک بین موسیقی بیرونی و مضمون، موضوع و درون‌مایه اشعار پیوندی استوار و تنگاتنگ برقرار است. موسیقی بیرونی موجب هویت بخشی به شعر شده و انتخاب وزن مناسب با محتوا، هدف شاعر را قدرت می‌بخشد. هر قالبی وزن خود را می‌طلبد و بی‌شک همسویی وزن و قالب شعری از اهیت خاصی برخوردار است. هدایت نامه در قالب مثنوی سروده شده است. قالب مثنوی به جهت استقلال قافیه هر بیت و وسعت واژگانی متنوع، در سرودن موضوعات عشقی، تاریخی، داستانی و عرفانی، مورد توجه شاعران واقع می‌شود. با مطالعه درون‌مایه و مضامین هدایت نامه، می‌توان گفت عبدالرحیم شیروانی با انتخاب همین قالب از تنگنای قوافی همسان رهاشده و هرازگاهی با انتخاب ردیف، طراوت خاصی به شعر خود بخشیده است. انتخاب وزن عروضی کوتاه یک امری متداول در مثنوی سرایی است. عبدالرحیم شیروانی در هدایت نامه از دو وزن سود جسته است:

- مفاعیلن، مفاعیلن، فعولن (هزج مسدس محذوف)

این وزن که وزنی آرام و دل‌نشین است، ۵۵۰ بیت (۳۴ درصد) از اشعار هدایت نامه را شامل می‌شود.

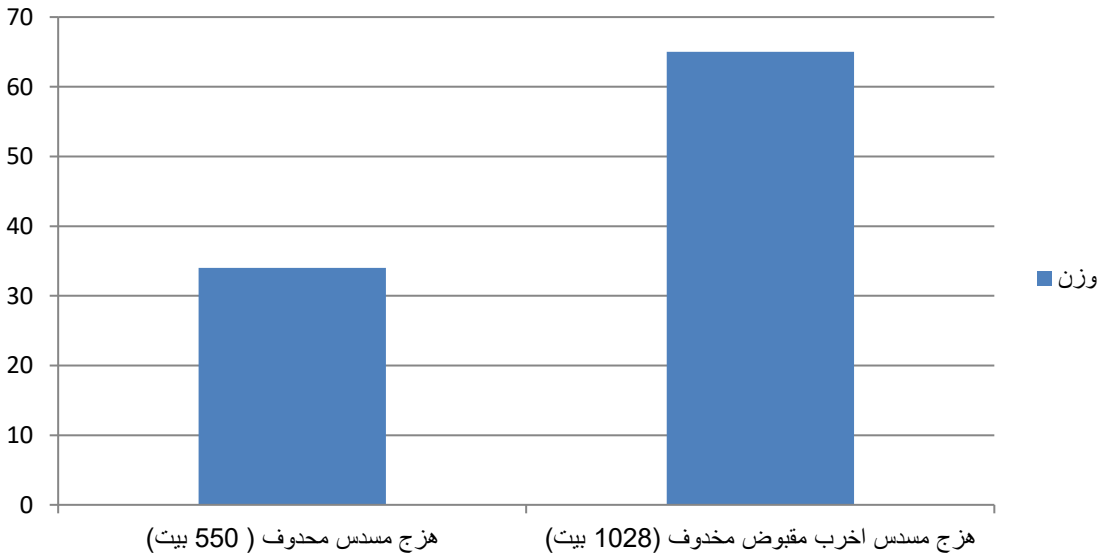
- مفعول، مفاعیلن، فعولن (هزج مسدس اُخر مقبوض محذوف)

۱۰۲۸ بیت (۶۵ درصد) هدایت نامه در این وزن که وزنی شاد و خیزابی است، سروده شده است.

## وزن



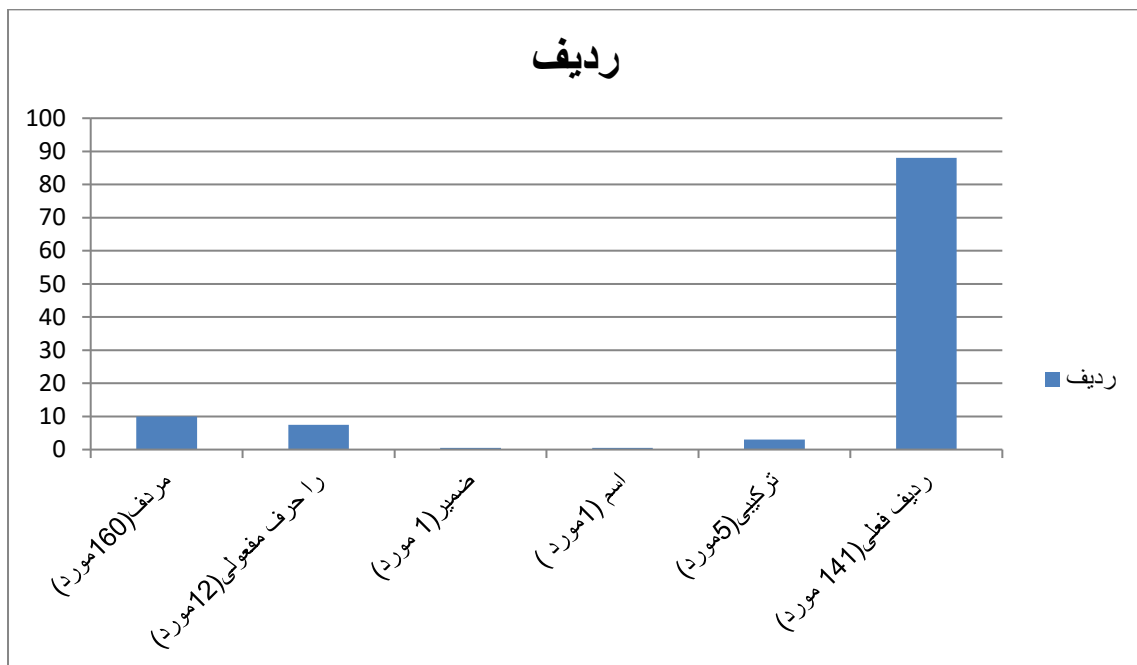
## وزن



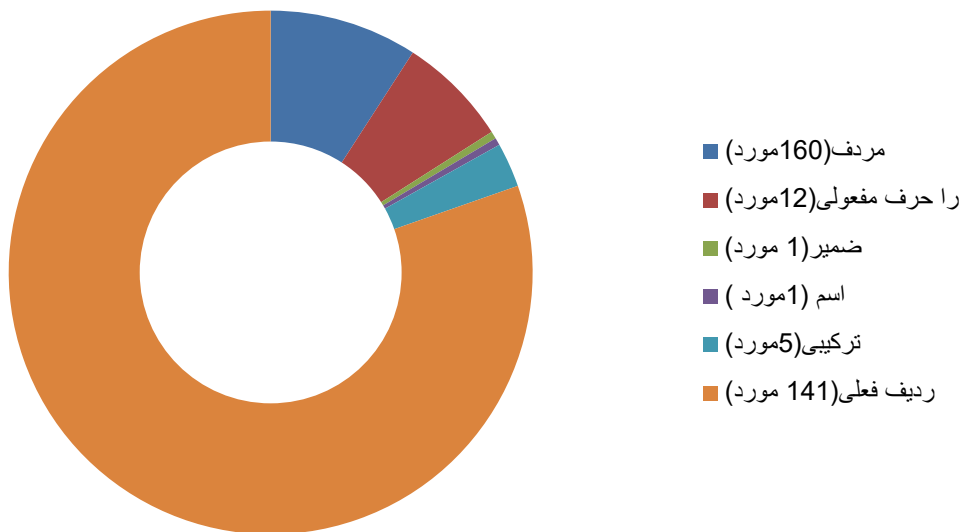
۲-۳-۱-۴-۲- موسیقی کناری

هدف از موسیقی کناری، بررسی ردیف (خلخال شعر)(ر.ک: همان: ۱۳۰) و قافیة ابیات است. به کمک ردیف، برخی از واژه‌ها در قافیه امکان حضور پیدا می‌کنند.

از مجموع ۱۵۷۸ بیت موجود در هدایت نامه، ۱۶۰ بیت (۱۰ درصد ابیات)، مردّف است. از این تعداد، ۱۲ مورد (۷/۵ درصد)، حرف مفعولی «را»، ۱ مورد ضمیر، ۱ مورد اسم و ۵ مورد (۳ درصد)، ترکیبی از حرف و اسم، حرف و ضمیر، ضمیر و فعل بوده که در مجموع ۱۹ مورد (۱۱ درصد) ردیف‌ها را شامل می‌شود. ۱۴۱ مورد دیگر (۸۸ درصد) ردیف‌ها، ردیف‌های فعلی هستند.



## ردیف



در قافیه اشعار هدایت نامه عیوب چندی مشاهده شد از جمله:

- تکرار قافیه:

در دو بیت زیر، کلمه قافیه را بدون فاصله تکرار کرده است:

دور است بسی نه تو شیطان	تو نسبت بد مده به ایشان
هستی به یقین رفیق شیطان	در شیطنتی که می کنی جان

(شیروانی، ۲۵۲:۴۷۴)

- شایگان: هم قافیه ساختن حروف اصلی و حروف الحاقی (ماهیار، ۱۳۸۸:۲۹۰)

هر یک خور آسمان ایمان	وز مهر و محبت محبتان
(شیروانی، ۴۷۴: ۲۴۳)	
نه بر من این سخن باشد گوارا	۹ من افسانه می خوانم شمارا
(همان: ۲۲۳)	
آن راوی حق شه خراسان	فریاد رسنده غریبان
(همان: ۲۶۲)	



- نداشتن قافیه:

مستمسک دوستی ایشان ثابت بکند حقوق ایشان (همان: ۲۴۳)  
فرمان رسول را تو از جان تقدیم رساندی از دل و جان (همان: ۲۴۲)

۳-۳-۱-۴-۲-۲- موسیقی درونی

منظور از موسیقی درونی بررسی سجع و جناس است که در بخش سطح ادبی به آن می‌پردازد.

۲-۲-۴-۲- ویژگی‌های ادبی

۱-۲-۴-۲- حوزه بیان

۱-۱-۴-۲-۲- تشبیه:

ریحان خط از لب چو یاقوت (همان: ۲۶۷)

مانده رگ و پوستی چو طنبور (همان: ۲۶۸)

این جمله تن او بسان جان بود (همان: ۲۶۸)

حق دارم اگر چو شمع سوزم (همان: ۲۶۹)

چون لاله اگر ز داغ زارم (همان: ۲۶۹)

دلش از اضطراب آمد چو سیماب (همان: ۲۲۹)

اضافه تشبیهی:

ریحان قدت نگشته خرم (همان: ۲۵۳)

باد اجلی ز بن بکنش (همان: ۲۶۸)

سرو قد او به کام و ناکام (همان: ۲۶۸)

شمشاد قدش بخاک سر برد (همان: ۲۶۸)

شمشاد قدش چو سرو آزاد (همان: ۲۵۰)

شد سنگ دلش از آن مکدر (همان: ۲۵۰)

در گردن نوعروس دنیا (همان: ۲۵۳)

وین زهر الم که من چشیدم (همان):  
(۲۶۸)

این بار جفا که من کشیدم

۲-۱-۲-۲-۴-۲- استعاره:

می ریخت به دامنش گل نار (همان):  
(۲۶۸)

از خون جگر ز چشم خونبار

عَناب لبش بشهد آمیخت (همان: ۲۵۰)

دعا کردی دو چشمانش کهربار (همان: دو یست و نوزده)

ز دیده ریختی بس در و مرجان (همان: ۲۲۹)

۳-۱-۲-۲-۴-۲- کنایه:

قدر او را نهاده حلقه در گوش (همان: ۲۲۴) حلقه در گوش نهادن

شد حلقه بگوش گوشواره (همان: ۲۵۰)

پیراهن صبر را دریده (همان: ۲۶۸) پیراهن دریدن

۴-۱-۲-۲-۴-۲- مجاز:

تضرع داشت با قاضی حاجات هنوزش در زبان بودی مناجات (همان: ۲۱۹)

جهان دار مکافات است مطلق کجا در خاک خوابد خون ناحق (همان: ۲۲۴)

۲-۲-۲-۴-۲- حوزه بدیع

۱-۲-۲-۴-۲- سجع:

نوش، نیش (همان: ۲۶۷)

بگفت این و بشد نزدیک مادر بگفتا این حکایت را سراسر (همان: ۲۲۱)

۲-۲-۲-۴-۲- جناس:

نگرفته ز شاهد جهان کام با حور بهشت میزند کام (همان: ۲۶۹)

ناسیر لبث هنوز از شیر سیراب شوی ز آب شمشیر (همان: ۲۵۳)

میریخت ۱۰۰۰ رنگ یاقوت شاید که بیابد از لبش قوت (همان: ۲۵۰)

۳-۲-۲-۴-۲-۲-۲- مراعات النظر:

نهاده گنج‌ها از سیم و از زر (همان: ۲۲۶)

جلی زربفت او را بسته بر دوش بدی طوق طلا در گردن و گوش (همان: ۲۲۶)

۴-۲-۲-۴-۲-۲-۲- تضاد:

از کم شده کی هدایت آید جز آنکه از او ضلالت آید (همان: ۲۵۴)

در زحمت و راحتش شکوریم در نعمت و نعمتش صبوریم (همان: ۲۵۷)

۵-۲-۲-۴-۲-۲-۲- اشتقاق:

بر درد و بلا تو مبتلا باش (همان: ۲۵۷)

۶-۲-۲-۴-۲-۲-۲- تکرار:

تکرار هم در سطح واژه و هم در سطح حروف اتفاق افتاده:

آه از قد سرو آن جوان آه (همان: ۲۵۲)

دعا کردی ۲ چشمانش کهربار بدرگاه خدا بازاری زار (همان: ۲۱۹)

بی جان بیجهان چه سان توان بود (همان: ۲۶۸) تکرار حرف

۷-۲-۲-۴-۲-۲-۲- تشخیص:

روزی خردم برسم یاری آمد بیرم به شرمساری (همان: ۲۴۵)

۸-۲-۲-۴-۲-۲-۲- تلمیح

مختص تو است حدیث لولاک (همان: ۲۳۸)

تلمیح است به حدیث لولاک لما خلقت الافلاک

درشان تو هل آتی رسیده (همان: ۲۴۱)

ناظر بر سوره دهر است: هل آتی علی الانسان حین ... (قرآن/ ۷۶) که در شان حضرت علی نازل شده است.

### ۳-۴-۲- سطح فکری:

هدایت نامه به لحاظ موضوعات خاص خود، ارزش دینی، تاریخی و عرفانی دارد و به جهت مدح‌های متعدد از امیر مومنان، تفکر و احساسات تشیع در آن موج می‌زند. وی اشعار خود را آمیخته با پند و اندرز می‌داند و دیگران را به بهره‌گیری از آن‌ها فرامی‌خواند:

ظاهر اگرش چو نقل گفتم	۱۰۰ پند به بطن آن نهفتم
نیکو بنگر تو گفتگو را	سرمشق بکن بطون او را
گل‌های خوشی درین گلستان	از پند و نصیحت است الوان (همان):

(۲۷۰)

### ۳. نتیجه‌گیری

نسخه‌ای که به شماره ۴۷۶ و با عنوان دیوان میرزا عبدالرحیم شیروانی در کتابخانه مرکزی تبریز نگهداری می‌شود متشکل از ۳ اثر بوده که مثنوی هدایت نامه یکی از آن ۳ اثر ص ۲۱۷-۲۷۱ را شامل می‌شود که در ۲ وزن مفعول، مفاعیلن، فاعولن (با بسامد ۶۵ درصد) و مفاعیلن، مفاعیلن، فاعولن سروده شده است. عنوان کامل اثر به‌طور مشخص قید و نام مؤلف و کاتب نیز کاملاً ثبت شده است. کاتب نسخه، پسرش، میرزا اسدالله هست. در خوانش و بررسی نسخه حاضر، چنین دست داد که این نسخه، نسخه مسوده بوده و بارزترین ویژگی رسم الخط آن، عدم پایبندی به ۱ اصل واحد نگارشی و نوشتاری در سرهم یا جدانویسی است که در جای جای این نسخه نمود دارد. گاهی ویژگی‌های زبانی کهن در آن دیده می‌شود. طبع آزمایی در انواع مضامین شعری (عاشقانه، عارفانی، مدح و منقبت، مناجات، فخریه و ...)، دلیل محکمی بر مهارت عبدالرحیم در انواع ادبی است. مدح امیرالمومنین و امام رضا از دلایل بارز شیعی‌گری او تواند بود. استفاده ماهرانه از انواع صنایع بدیع لفظی و معنوی نیز وی را به شاعران سبک عراقی نزدیک کرده است. فقط ۱۰ درصد ابیات هدایت نامه مردّف است که از این میان ردیف‌های فعلی بیشترین بسامد را دارا است. تکرار قافیه، شایگان و نداشتن قافیه، از جمله عیوبی است

که در هدایت نامه وجود دارد. نسخه حاضر به لحاظ اشتغال بر مباحث تاریخی، دینی و عرفانی حائز اهمیت است.

### فهرست منابع

- اصغری هاشمی، محمد جواد (۱۳۸۸) شیوه‌نامه تصحیح متون، تهران: دلیل ما.
- ثروت، منصور (۱۳۷۹) روش تصحیح انتقادی متون، تهران: پایا.
- حائری، عبدالحسین، (۱۳۷۸)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۱، ش ۳۵۹۵، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- حسینی اشکوری، احمد، (۱۳۷۷)، فهرست نسخه‌های خطی، قم: مرکز احیاء میراث اسلامی.
- داور، مفید (۱۳۷۱) تذکره مرآت (تذکره شاعران فارسی)، شیراز: نوید.
- ستوده، غلامرضا (۱۳۸۴) مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی، چاپ ۱۱، تهران: سمت.
- سید یونسی، میر ودود، (۱۳۴۸)، فهرست کتابخانه ملی تبریز، ج ۱، تبریز: انتشارات کتابخانه ملی تبریز.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۷۰) موسیقی شعر، چاپ ۱۲، تهران: آگاه.
- شوکتی، آیت (۱۳۹۹) «معرفی نسخه خطی دیوان عبدالرحیم شیروانی و بررسی ویژگی‌های سبکی آن»، ۲ فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی دانشگاه آزاد دهاقان، شهریور ۱۳۹۹، دوره ۵، شماره ۱۳، صص ۵۳-۷۹.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۰) «معرفی نسخه خطی صفاءالقلوب و بررسی ویژگی‌های سبکی آن»، فصلنامه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد سنندج، پاییز ۱۴۰۰، دوره ۱۳، ش ۴۸، صص ۲۶۸-۲۹۵.
- ۱- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۱) «آموزه‌های تعلیمی و شگردهای آن در صفاءالقلوب و نان و حلوا با رویکرد غایت‌گرایی»، بهار ادب، نمایه شده در شهریور ۱۴۰۱، سال ۱۵، ش ۷۶.
- شیروانی، عبدالرحیم، (۴۷۴)، دیوان، نسخه خطی: تبریز: کتابخانه ملی.
- (۱۳۹۱) مظهرالترکی، تصحیح فرهاد رحیمی، تهران: اندیشه نو.
- فشارکی، محمد (۱۳۷۲) رساله عروض سیفی و قافیه جامی، تهران: دانشگاه تهران.
- ماهیار، عباس (۱۳۸۸) عروض فارسی، چاپ ۱۱، تهران: سارنگ.

### List of sources and sources

- Asghari Hashemi, Mohammad Javad (۲۰۰۹) Methodology for correcting texts, Tehran: our reason
- Davar, Mofid (۱۹۹۲), Tazkira Merat al-Fasaha (Tazkira of Persian poets), Shiraz: Navid
- Haeri, Abdul Hossein, (۱۹۹۹), List of Manuscripts of the Library of the Islamic Council, Vol. ۱, No. ۳۵۹۵, Tehran: Islamic Council Documents Center
- fesharaki, Mohammad (۱۹۹۳) Sayfi's prose and Jami's rhymes, Tehran: University of Tehran
- Hosseini Ashkouri, Ahmad, (۱۹۹۸), list of manuscripts, Qom: Islamic Heritage Revival Center
- Mahyar, Abbas (۲۰۰۹) Persian prose, ۳rd edition, Tehran: Sarang sarwat, Mansour (۲۰۰۰) Method of critical correction of texts, Tehran: Paya
- Sayed Yunsi, Mir Vadod, (۱۹۶۹), List of Tabriz National Library, Volume ۱, Tabriz: Tabriz National Library Publications
- Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza (۱۹۹۱) Music of poetry, ۲nd edition, Tehran: Aaghah
- Shirvani, Abdur Rahim, (۴۷۴), Divan, manuscript: Tabriz: National Library
- \_\_\_\_\_ (۲۰۱۲) Mazhar al-Turki, edited by Farhad Rahimi, Tehran: New Thought
- Shokati, Ayat (۲۰۱۹) "Introduction to the manuscript of Diwan Abdur Rahim Shirvani and its stylistic features", two quarterly research journals of Persian poetry and prose texts of Dehagan Azad University, Shahrivar ۲۰۱۹, volume ۵, number ۱۳, pp. ۵۳-۷۹
- \_\_\_\_\_ (۲۰۲۱) "Introduction of Safa al-Qulub manuscript and its stylistic features", Persian language and literature quarterly of Sanandaj Azad University, autumn ۲۰۲۱, period ۱۳, vol. ۴۸, pp. ۲۶۸-۲۹۵
- \_\_\_\_\_ (۲۰۲۲) "Educational teachings and its methods in Safa al-Qulob and bread and halwa with an eschatological approach", Bahar Adab, indexed in Shahrivar ۲۰۲۲, year ۱۵, p. ۷۶

Sotoudeh, Gholamreza (۲۰۰۵) Referencing and research methods in Persian literature, یازدهth edition, Tehran: Samt

## **Introducing the manuscript of Hazin Shirvani's Hedayat nameh and examining its stylistic features**

**Ayat Shaukti**

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Khoy. Iran

### **Abstract**

Abdur Rahim Shirvani was one of the speakers of the Qajar period. The copy of Diwan includes three works by him (Diwan, Safa-al-Qulob and Hedayat-nameh), which were written in the دوازدهth century, in the handwriting of his son, Mirza Asadullah, during his lifetime, and are kept as a unique copy in the National Library of Tabriz. It can be The present article, with the aim of introducing and examining the stylistic features of Hedayat-nameh, with a documentary-descriptive and statistical method and based on library studies, aims to answer the question, what are the most obvious stylistic features of Hedayat-nameh? The author aims to introduce it and examine its features of calligraphy and style in three linguistic, intellectual and literary levels. The present work is a fictional work, the most important story of which is the story of Prophet Ibrahim and the slaughter of his son, Ismail, which was written under the title Zabih Namah. The findings of the research are based on the fact that the guidance letter was a draft copy that was written in two weights from the sub-collection of Bahr Hazaj. Only ۱۰% of its verses are pure. Some defects of rhyme can be seen in it. Due to the inclusion of religious and mystical content, it can be useful for literary, religious, historical and mystical researches.

**Keyword:** Manuscript, stylistics, Abdul Rahim Shirvani, Diwan, Hedayatnameh